

بحثی درباره دریای خزر و دورنماهای آن

مجید شریفی

(دکترای علوم سیاسی، دانشگاه فلوریدای آمریکا)

حاکمیت مطلق داشت. بعد از سقوط شاه سلطان حسین و افول سلسله صفویه، ایران به تدریج کنترل مرزهای خود را از دست داد و در نتیجه روس‌ها و عثمانی‌ها توانستند از این ضعف سوء استفاده کنند.

عثمانی‌ها، شهرهای تفلیس، ایروان و گنجه را اشغال کردند و ادعای روسیه را بر منطقه شمال ایران تا سرحد کوه‌های البرز به رسمیت شناختند. بعد از مرگ پتر کبیر در سال ۱۷۲۵، به ویژه با ظهور نادرقلی افشار، سیاست توسعه‌طلبی روسیه به طور موقت متوقف شد. نادر قبل از بازپسگیری قلمرو شمالی ایران، تصمیم گرفت در مرحله نخست با عثمانی‌ها وارد جنگ شود. در سال ۱۷۳۵ میلادی، نادرشاه موفق به پس راندن عثمانی‌ها و الحاق دوباره مناطق اشغالی به ایران شد. در همان سال بر طبق پیمان گنجه، روسیه تمام مناطق اشغالی را به ایران پس داد.^(۱) بر طبق گزارش میرفندرسکی «براساس پیمان گنجه، مناطق خزری شامل دربند قفقاز، باکو، گیلان، مازندران و استرآباد به ایران بازگردانده

با تغییر جغرافیای سیاسی سرزمین‌های شمالی ایران، موضوع حقوق مالکیت کشورهای حاشیه دریای خزر، به صورت مساله‌ای مناقشه برانگیز میان ایران از یک سو و کشورهای تازه استقلال یافته از سوی دیگر درآمده است. این مقاله ضمن بررسی تاریخی موضوع، رویکردهای مختلف در مورد چگونگی توزیع حقوق مالکیت بر دریای خزر در میان کشورهای ذی نفع را به بحث می‌گذارد.

دریای خزر، بزرگترین توده محدود آب در روی زمین است. ظرف ۱۰ سال گذشته این منطقه تبدیل به مرکزی فعال در سیاست منطقه و جهان شده است. از جهت تاریخی، ایران و اتحاد شوروی تنها مدعیان این دریا بوده‌اند، اما بعد از سقوط شوروی، سه کشور جدید التاسیس آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان از درون شوروی خارج، و به جمع ایران و روسیه، به عنوان سهم بران جدید، پیوسته‌اند. این گسترش، بعد از کشف منابع وسیع نفت و گاز، موجب شد که اختلافات جدیدی نیز به وجود آید و بین این کشورها بالا گیرد که اساساً از مساله حقوقی مرزبندی و حدود مالکیت هر کشور و مساله حمل و نقل ناشی شده است.

هدف از این رساله پاسخ به دو پرسش اصلی است: اول اینکه: مدعیان اصلی در این منطقه چه کسانی هستند؟ برای پاسخ به این پرسش، اشاره‌ای تاریخی خواهیم داشت به روابط ایران و روسیه و بررسی وضع سه جمهوری جدیدالتاسیس و مواضع آن‌ها.

دوم اینکه: این کشورها چه راه‌هایی برای مساله حمل و نقل، به ویژه مناطق عبور لوله گاز و نفت، دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، به بررسی اجمالی طرق گوناگون حمل و نقل و ارزیابی مختصر هریک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

سابقه تاریخی

توسعه طلبی دولت روسیه قبل از انقلاب اکتبر:

از جهت تاریخی، ایران تا قبل از سلطنت پتر کبیر، زمانی که او تصمیم گرفت امپراطوری خود را به سمت جنوب گسترش دهد، بر دریای خزر



شد. «(۲) این در واقع آخرین باری بود که در روابط روسیه و ایران، ایران با تکیه به برتری نظامی، مناطق از دست رفته را بازستاند. (طبق قرارداد گنجه، ایران این شرط را پذیرفت که به هیچ شکل مناطق شمالی تحت حاکمیت خود را در اختیار کشوری دیگر قرار ندهد، و گرنه، روسیه این حق را خواهد داشت که مناطق مزبور را دوباره اشغال کند.)

اما برگرداندن مناطق فوق، تسلط بلامنازع روسیه را بر دریای خزر (به جز آب‌های ساحلی ایران) از میان نبرد. با تغییراتی اندک، سیاست پطر کبیر در برقراری حاکمیت روسیه بر دریای خزر، تا امروز ادامه داشته است و همانند گذشته، تنها قدرت نظامی دریایی قابل ملاحظه در این منطقه، کشور روسیه بوده است.

حاکمیت روسیه

روسیه، که همواره در جهت گسترش امپراطوری خود در سراسر آسیای مرکزی بود، برای رسیدن به این هدف، لازم می‌دانست مانع دسترسی دولت عثمانی به آب‌های دریای خزر شود و جای پای برای خود در ایالات جنوبی این دریا دست و پا کند. فرصت طلایی برای روسیه موقعی ایجاد شد که ایران متعاقب سوء قصد به نادرشاه و قتل وی در سال ۱۷۴۷ دچار بحران قدرت شد. با مرگ نادرشاه آخرین تلاش ایران جهت ایجاد نیروی دریایی در خزر نافرجام ماند و ایران دچار بحرانی طولانی شد که تا زمان آقا محمدخان قاجار ادامه یافت. آقا محمدخان توانست باز میان بردن مخالفان خود، مناطق سرحدی از دست رفته را باز گرداند و در سال ۱۷۹۵ تفلیس را نیز پس گرفت. اما در زمان الکساندر اول (۱۸۰۱ تا ۱۸۲۵)، روس‌ها دوباره به پیشروی پرداختند. در سال ۱۸۰۵، روس‌ها بار دیگر به سرحدات ایران حمله کردند و دولت ایران را به عقد قرارداد گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ وادار ساختند. بر طبق مواد ۲ و ۳ این قرارداد حاکمیت قره باغ، شیروان و گرجستان، ارمنستان، ابقازیه، دربند، داغستان، باکو و قسمتی از سواحل طالش از لنکران تا رود ارس به روس‌ها واگذار شد. (۳) ماده پنج این قرارداد، حق کشتی رانی نظامی را به طور انحصاری به روس‌ها واگذار می‌کند. در حالی که حق ناوبری تجاری برای ایران با روسیه به طور یکسان در دریای مازندران حفظ می‌شود. (۴)

در سال ۱۸۲۶، روسیه یک بار دیگر به ایران حمله و قرارداد ترکمان‌چای را به ایران تحمیل کرد (۱۸۲۸). بر طبق این قرارداد ایروان و نخجوان تا سواحل جنوبی رود ارس، تمام رودخانه‌ها و سرزمین‌های شمال قفقاز از یک سو و دریای خزر از سوی دیگر به روسیه واگذار شد. ماده هشت این قرارداد حق ناوبری جنگی را منحصراً به روس‌ها دانست و عبور ناوگان تجاری ایران را مشروط به پرداخت عوارض عبور و بندری کرد. این قرارداد، به جز تغییرات جزئی بعدی در مورد حقوق ناوبری تجاری همچنان به عنوان پایه حقوقی روابط ایران با روسیه به قوت خود باقی است.

انقلاب روسیه: درنگی در توسعه طلبی روسیه و شروعی در همزیستی

سیاست تجاوزگرانه روسیه تا اکتبر ۱۹۱۷ (انقلاب اکتبر) ادامه یافت. با پیروزی این انقلاب، دورانی جدید با دگرگونی تعادل قوا، در روابط دو کشور آغاز شد. در سال ۱۹۱۸ سازمان نظامی ارتش روسیه از هم پاشید و دولت جدید روسیه دچار ضعف شد. پس از انقلاب اکتبر، با استفاده از ضعف دولت جدید، دولت عثمانی به سمت قفقاز پیشروی کرد. دولت برخاسته از انقلاب به برقراری صلح در مرزهای جنوبی خود، برای تمرکز قوا در جنگ با عثمانی نیاز داشت. از این رو حمایت خود را از دولت میرزا کوچک

خان قطع کرد تا بتواند با دولت مرکزی ایران به تفاهم برسد و قرارداد صلح تنظیم کند.

در سال ۱۹۲۱، روس‌ها تمام مناطق اشغالی دولت سابق روس را به ایران واگذار کردند با این شرط که انگلستان از مناطق تحت نفوذ خود در ایران خارج شود؛ این هم زمان بود با تصمیم مجلس در فوریه ۱۹۲۱، مبنی بر رد قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران که به حضور کارشناسان انگلیسی در امور نظامی و فنی رسمیت می‌بخشید.

روابط حسنه همسایگی در فاصله جنگ اول و دوم جهانی

در سال ۱۹۲۲، قرارداد دوستی بین ایران و شوروی که در سال ۱۹۲۱ امضا شده بود به تصویب نهایی دو کشور رسید. در مواد ۹، ۱۰ و ۱۲ این قرارداد، سیاست‌های گذشته تزاری در مورد ایران محکوم و حقوق تجاری و ملکی ایران اعاده شد، در ماده ۱۱ این قرارداد، حق برابر طرفین، در کشتیرانی و استفاده از آبراه‌های دریای خزر، بدون ذکر حق یک طرفه روسیه مبنی بر داشتن ناوگان نظامی، به رسمیت شناخته شد. در ماده هشت، قرارداد ترکمان‌چای لغو شد، براساس این قرارداد، ایران و روسیه دارای حقوق مساوی در دریای خزر شدند و براساس همین قرارداد است که دولت ایران بر ادعای خود مبنی بر داشتن حق مساوی در مالکیت منابع دریای خزر، با همسایگان خود پای می‌فشارد. البته شایان ذکر است که بار دیگر در سال ۱۹۴۰ نیز بین ایران و روسیه قراردادی بسته شد که در ماده ۱۱ آن به برابری حقوق ایران و روسیه در دریای خزر تأکید شده است بدون اینکه از منابع نفت و گاز این دریا ذکری شده باشد.

با آغاز جنگ دوم جهانی، قوای شوروی قسمت شمالی ایران را اشغال کرد و قوای انگلیس بخش جنوب آن را. به این ترتیب، خاطره قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس زنده شد. هر دو کشور به خط آهن سراسری ایران برای ارسال تدارکات و ملزومات جنگی به جبهه روسیه، احتیاج مبرم داشتند؛ به این دلیل حق بی‌طرفی ایران را نادیده گرفتند. اشغال ایران توسط شوروی و انگلیس، باعث تضعیف قدرت دولت مرکزی ایران شد. روس‌ها به کاوش منابع نفت باکو ادامه دادند و در چنین زمانی، ایران نیز در موقعیتی نبود که با این امر مخالفت ورزد. به این ترتیب، در مراحل بعدی عملیات اکتشافی که بدون دخالت ایران صورت گرفت شوروی ادعای مالکیت یک جانبه بر این منابع را به صورت «دفاکتو» مستحکم کرد.

دوران زوال دولت شوروی

در دهم دسامبر ۱۹۹۰، آژانس خبری فرانسه اعلام کرد که «بوریس یلتسین تلفنی با جرج بوش (پدر)، رئیس جمهور وقت آمریکا، تماس گرفته و پایان کار شوروی و تاسیس کشورهای مشترک المنافع مستقل را به وی اطلاع داده است.» (۵)

سه جمهوری اسلاو یعنی روسیه، اوکراین و بلاروس که ۷۰ درصد جمعیت شوری سابق را در خود جای داده‌اند، تشکیل فدراسیون جدید را اعلام کردند. آسوشیتد پرس خبر داد که «جمهوری‌های تازه تاسیس خواهان شناسایی رسمی از طرف ایالات متحده و کشورهای غربی و پذیرش در سازمان ملل متحد هستند و به تمام قراردادهای سابق دو جانبه اتحاد شوروی با سایر کشورها از جمله ایران احترام گذاشته و آن قراردادهای را به رسمیت می‌شناسند.» (۶) اما، واقعیت خیلی زود این خوش بینی را از میان برد. بعد از شروع جنگ‌های داخلی در ارمنستان، آذربایجان و تاجیکستان و سرایت بحران به جمهوری‌های جنوبی، به تعهدات خود در زمینه رژیم قانونی دو جانبه ایران و شوروی و الزام‌های ناشی از آن براساس حقوق بین‌الملل در مورد دریای خزر پشت پا زدند و کشورهای

حاشیه دریای خزر، هر یک در چارچوب منافع خود، وارد جدال بر سر منابع دریای خزر شدند.

بسط رژیم قانونی جدید در دریای خزر: سیاست روسیه رویکرد نظری:

در غیاب یک توافق عملی، چگونه از لحاظ نظری می توان وضع کنونی دریای خزر را روشن کرد؟ و چطور می توان چنین تحلیل های نظری را پاسخگوی مسائل تجاری، جغرافیایی و محیط زیستی پنج کشور حاضر در این منطقه دانست؟

در این باره دو راه حل نظری مهم از دیدگاه حقوق بین الملل مطرح شده است:

۱. نظریه دریا - تقسیم منابع دریایی بر اساس مقررات مربوط به دریاهای آزاد.

۲. نظریه دریاچه.

در نظریه دریا، بر اساس یک فاصله مشخص از ساحل - معمولاً عرض فلات قاره یا خط فاصل میانه. هر کدام از کشورهای ساحلی محق هستند که با حق کشتیرانی و حمل نقل، اعم از هوایی و دریایی، از منابع بستر دریا و اعماق آن استفاده و حاکمیت خود را بر آب های ساحلی و فضای هوایی آن برقرار کنند. با این توجه که در حال حاضر عرض آب های ساحلی، ۱۲ مایل دریایی است.

در نظریه دریاچه، دریای مازندران از جهت مالکیت منابع طبیعی، ملکی مشاع محسوب می شود که بهره برداری از آن باید به صورت جمعی صورت گیرد. این طرح را ایران پیشنهاد کرد و تا سال ۱۹۹۸ مورد قبول دولت روسیه بود.

سوال دیگر این که آیا قراردادهای قبلی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران هنوز معتبر هستند یا خیر؟ اگر در سال ۱۹۹۰ روس ها و جمهوری های تازه تاسیس، پذیرفتند که به تمام تعهدات دولت سابق شوروی پای بند هستند، موضع آن ها در شرایط جدید چیست؟ آیا آن ها با تکیه بر منافع جدید خود، تعهدات لازم الاجرای قراردادی را نقض می کنند؟ اگر چنین است، بر چه اساسی می توان شرایط ناسخ و منسوخ را در تعهدات بین المللی مشخص کرد؟ البته در صورتی که روس ها برای قراردادهای گذشته (ایران و شوروی) اعتبار قائل نباشند، ایران هم می تواند متقابلاً همین عمل را در مورد قراردادهای مربوط به سرزمین های از دست رفته بکند.

گفتنی است که حفظ محیط زیست و تعهد به آن در هیچ یک از این دو راه حل مورد توجه نبوده است. بهره برداری وسیع از دریای خزر محیط زیست را به شدت آلوده کرده است و هیچ پیشنهادی برای پاکسازی این دریا و حفظ آن از آلودگی ناشی از نشت نفت و گاز از لوله های انتقال در صورت بروز زلزله ارائه نشده و اهرم های قانونی برای حفاظت محیط زیست پیش بینی نشده است. و سرانجام آیا کشورهای ساحلی دریای خزر و یا کمپانی های بین المللی انرژی، مسوولیت حفظ محیط زیست را به عهده خواهند گرفت یا خیر؟

ظهور رژیم قانونی: روش روسیه

بعد از فروپاشی دولت شوروی، دولت روسیه علاقه ای فوری به حفظ و ادامه رژیم قانونی گذشته در دریای خزر و یا ایجاد تفاهم جهت تجدید نظر در آن و ورود به شرایط جدید نداشت؛ به هر صورت، منفعتی نیز جهت حفظ ساختار سابق روابط خود با ایران که دست کم در نظریه و بر اساس قراردادهای مورد اشاره حقوق ۵۰ درصد. ۵۰ درصد برای ایران و روسیه در

استفاده از منابع دریای خزر در برداشت، حس نمی کرد. آن ها ترجیح دادند که دریای خزر را «دریاچه روسی» بنامند و به «خط آستارا-حسنقلی» اشاره کنند که خط مرزی فرضی بین ایران و روسیه، در قرارداد دو جانبه بین دو کشور در سال ۱۹۴۱ دریای خزر شناخته می شد. (۷) پذیرش این خط معادل پذیرش اصل سهم ۵۰ درصد ایران و تایید و تقویت ادعای این کشور در این زمینه بود. در وضعیت بعد از شکل گیری جمهوری های نوظهور ساحلی دریای خزر، سهم ۵۰ درصد طرف شوروی می توانست بین آن ها تقسیم و سهم ۵۰ درصد ایران حفظ شود. اما طبعاً روسیه منافع خود را در تایید و حفظ این وضع نمی دید و به هر حال، ایران ابزارهای لازم برای به کرسی نشاندن این حق را نداشت. دولت روسیه حتی مفاد کنوانسیون ژنو (۱۹۸۵) را هم در مورد حدود مالکیت آب های ساحلی و دریاهای پذیرفت. ماده ۱ و بند یک از ماده ۳ و ماده ۴ این پیمان حدود آب های ساحلی و مالکیت هر کشور را در هوا، سطح دریا و بستر و تحت الارض دریایه حداکثر ۱۲ مایل دریایی محدود می کند. (۸)

سیاست روسیه به طور کلی، همانطور که اشاره شد، تا سال ۱۹۹۸، بیشتر در جهت پذیرش نظریه دریاچه ای و در نتیجه بین المللی بودن دریای خزر به جلو رفته است. با این شرط که هر گونه قراری بین کشورهای ساحلی، باید قبلاً به تصویب روسیه برسد، چرا که روسیه در برابر تساوی دیگران، برای خود حق تقدم قائل است.

خطوط اصلی سیاست دولت روسیه در مورد دریای خزر بنا به نظر دو کارشناس مسائل روسیه، نینا پوسنکووا و ایزابل گورست به شرح زیر خلاصه می شود: (۹)

۱. به حداکثر رساندن نقش کمپانی های روسی به منطقه؛

۲. نظارت حمل و نقل از مناطقی که راه به دریای آزاد ندارد به خارج

آن؛ و

۳. استفاده از وضع مبهم حقوقی دریای خزر جهت جلوگیری و منع هر گونه اکتشاف و استخراج یک جانبه با این استدلال که باید همه طرف های پنج گانه ساحلی روسیه، آذربایجان، قزاقستان، ایران و ترکمنستان، به توافق برسند.

اما حفظ تعادل بین سه مورد فوق حتی برای روسیه نیز به سادگی عملی نبوده است. دو کمپانی «لوکویل» و «گازپروم» خیلی سریع در پیگیری خواسته های روسیه به کسب امتیازاتی برای روسیه در این منطقه دست زدند. با توجه به اینکه بدون اجازه و موافقت روسیه هیچ مذاکره یا معامله ای انجام نمی شود، روسیه توانسته است سرمایه خارجی مورد نیاز خود را با شرایط مورد نظرش جلب کند، هر چند که برای کنترل منطقه با رقابت بین المللی رو به رو است. تا سال ۱۹۹۷، دولت یلتسین همچنان حامی نظریه «دریاچه بین المللی» بود. اما از ابتدای سال ۱۹۹۸، دو اتفاق مهم موجب شد که موضع خود را در این مورد تغییر دهد:

الف. بحران مالی در روسیه؛ ب. کشف منابع نفت در قسمت روسی دریای خزر. بحران مالی موجب شد که یلتسین موضع خود را با قبول حضور آمریکا در منطقه، به آرامی تغییر دهد.

رقیب اصلی دولت روسیه در این منطقه، دولت آمریکا و کمپانی های نفتی بین المللی بودند. دولت ایالات متحده، از ابتدا به دنبال اعمال نظریه دریا بود. چرا که تقسیم بندی منابع دریای خزر، بر مبنای واحدهای مستقل در مرز بندی های ملی و مفروض، منافع کمپانی های نفتی و ایالات متحده را به صورت های مختلف بهتر تامین می کند. این سیاست در درجه نخست از ایجاد یک کارتل جدید تولید نفت و گاز، در شرایط اعمال راه حل مشاع مؤثر در برابر کمپانی های بین المللی، جلوگیری می کند (به خصوص که امکان دارد چنین کارتل جدیدی، به فعالیت مشترک و

از سوی روسیه، به فراموشی سپرده شد. تنها طرف واقعاً متضرر در این میان، ایران است. جانشین یلتسین، ولادیمیر پوتین هم سیاست جدید را به طور جدی تر دنبال کرده است.

موضع آذربایجان

سال‌ها قبل از انقلاب اکتبر، جریانی تندرو و ناسیونالیست در آذربایجان در حال رشد بود که از طرف جنبش پان ترکیزم در ترکیه حمایت می‌شد. در سال ۱۹۱۸، رقابتی سه گانه برای کنترل باکو وجود داشت: ۱. روس‌های سفید با حمایت انگلیس؛ ۲. ناسیونالیست‌ها و ترکان مسلمان با حمایت ترکیه عثمانی؛ و ۳. شورای کارگران آذربایجان تحت حمایت بلشویک‌های روسی.

ارمنی‌ها از ترس تسلط مسلمانان بر منطقه، به پشتیبانی از روس‌ها پرداختند (اما ۷۳ سال بعد، در سال ۱۹۹۱، هنگامی که جنگ داخلی بین ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها آغاز شد، شرایط به گونه‌ای دیگر بود). در سپتامبر ۱۹۱۸، ترک‌ها به سوی باکو پیشرفت کردند و به رغم مقاومت شدید کارگران مسلمان سوسیالیست و ارمنی‌ها و انگلیسی‌ها، عثمانی‌ها باکو را تصرف کردند که منجر به قتل عام و سب و دهشتناک ارمنی‌ها شد. (۱۵)

ترک‌ها، در می‌۱۹۱۸، جمهوری مستقل آذربایجان را تشکیل و پایتخت آن را باکو قرار دادند. در ۱۵ ژانویه ۱۹۲۰ قدرت‌های متفق، جمهوری آذربایجان را به عنوان کشوری مستقل به رسمیت شناختند. (۱۶) اما رویای ناسیونالیسم ترک مدت زیادی دوام نیافت؛ در آوریل همان سال ارتش سرخ با حمله به باکو و تصرف آن به این دوره پایان داد و جمهوری سوسیالیستی شورایی آذربایجان تاسیس شد.

بعد از سقوط اتحاد شوروی، آذربایجان استقلال خود را برای بار دوم اعلام کرد. اما نتایج این استقلال متناقض بود. تولید ناخالص داخلی آذربایجان از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، مقدار ۶۰ درصد سقوط کرد؛ این رقم تا سال ۲۰۰۷ احتمالاً حتی به سطح اولیه خود در سال ۱۹۹۱ نخواهد رسید. (۱۷)

علاوه بر مشکلات اقتصادی، جنگ داخلی بین آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ علیا (کوهستانی) نیز در گرفت که طی آن ۷۵۰ هزار آذری مجبور به مهاجرت اجباری شدند و آذربایجان ۲۰ درصد خاک خود را از دست داد. (۱۸) سرانجام در سال ۱۹۹۴، آتش بس ناپایداری بین این دو جمهوری منعقد شد که به طور شگفت‌آوری هنوز پابرجاست.

درآمد نفت برای آذربایجان و حفظ استقلال آن حیاتی است. صنایع نفتی این جمهوری با موج سریع صنعتی کردن روسیه در اوایل قرن بیستم شروع شد و در جریان جنگ دوم جهانی به اوج خود رسید. آذربایجان در سال ۱۹۹۱ کمتر از ۱۸۰ هزار بشکه در روز نفت تولید می‌کرد. در سال ۱۹۹۲، کمپانی دولتی نفتی آذربایجان سوکار تشکیل شد. در سال ۱۹۹۴، یعنی یک سال بعد از کودتای حیدرعلی اوف، سوکار وارد یک توافق وسیع با کنسرسیوم نفتی «شرکت بین‌المللی عملیات (نفتی) آذربایجان» به مدت ۳۰ سال با سرمایه‌ای بالغ بر هشت میلیارد دلار شد که به «معامله قرن» معروف گردید. این شرکت توسعه سه منطقه نفتی بزرگ را طی این توافق برعهده گرفت و پیمانکار آن شرکت بریتیش پترولیوم بود.

در مجموع پنج قرارداد با کمپانی‌های بین‌المللی نفتی به امضاء رسید که سرمایه آن معادل ۱۸ میلیارد دلار می‌شد که جمع آن با سایر قراردادهای اکتشافی در این منطقه تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. (۱۹)

همکاری با اوپک پردازد. در حالی که ورود آمریکا به این منطقه توأم با این هدف است که نقش اوپک را به طور کلی و به ویژه در تعیین قیمت نفت برای همیشه درهم شکنند، (۱۰) و تسلط خلیج فارس را از میان بردارد). در ضمن، باید توجه داشت که تولید مشترک کشورهای ساحلی خزر عامل ارتقای روس‌ها و ایرانیان است، به همین علت نیز ایالات متحده همواره کوشیده است که در تعیین سرنوشت نفت و گاز دریای خزر، روسیه و ایران را ایزوله و منزوی کند. به هر صورت، آمریکا به معاملات تجاری جداگانه با هر یک از کشورهای ساحلی، راغب‌تر است. به ویژه، کشورهایی که شدیداً نیازمند پول هستند و نه مجموعه‌ای از کشورها که باید به یکدیگر حساب پس دهند. قابل تأکید است که کشورهای با رژیم‌های دیکتاتوری و حکومت فردی (مثل سه کشور تازه تاسیس ساحلی دریای خزر) به راحتی منابع خود را پیش فروش می‌کنند.

به هر حال، بحران مالی، کشف منابع جدید نفتی در سواحل روسیه، یلتسین را وادار کرد که در سال ۱۹۹۸، نظریه دریا را بپذیرد. در حالی که روسیه با استفاده از قراردادهای دو جانبه با کشورهای ساحلی، و استفاده از امکان‌های آن‌ها از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم و اخذ عوارض و کنترل حمل و نقل، دست بالا را پیدا کرده، ایران هنوز بدون موفقیت در پی کشف منابع نفتی در سواحل خود است آمریکا و روسیه با دولت ایران، به تدریج به عنوان بازیگری «مخالف» برخورد می‌کنند، و پیشنهادهای ایران برای بهره‌برداری مشترک از منابع دریای خزر، به طور مکرر در مجامع بین‌المللی منطقه رد می‌شود. در ۱۳ مه ۲۰۰۲، روسیه و قزاقستان قرارداد دو جانبه‌ای برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز شمال دریای خزر منعقد کردند. متقابلاً ایران به طور رسمی به انعقاد این قرارداد اعتراض کرد. البته، حجم معاملات تجاری روسیه با ایران نیز قابل ملاحظه است.

طبق نوشته مجله تجارت و اقتصاد: ایران، از سال ۱۹۸۹ به این سو، بیش از چهار میلیارد دلار، سخت‌افزار و ماشین آلات به روسیه سفارش داده است، و بعد از چین و هند سومین خریدار جنگ‌افزار از روسیه است. (۱۱)

اما، در مورد دریای خزر، مواضع دولت روسیه نسبت به ایران، به مواضع آمریکا نزدیکتر است و حاضر نیست حتی پیشنهاد ایران را مبنی بر تقسیم منابع دریای خزر به پنج قسمت مساوی (۲۰ درصد برای هر کشور) بپذیرد. این برخورد منفی، با وجود کوتاه آمدن ایران نسبت به سهم خود که براساس قراردادهای قبلی ایران و شوروی باید ۵۰ درصد باشد، همان چیزی است که آمریکا می‌خواهد. استیون من، از کارشناسان وزارت خارجه آمریکا در منطقه خزر، معتقد است که: «حتی بدون حل مساله حقوقی دریای خزر می‌شود به توسعه اکتشاف و برداشت منابع در این دریا اقدام کرد». (۱۲)

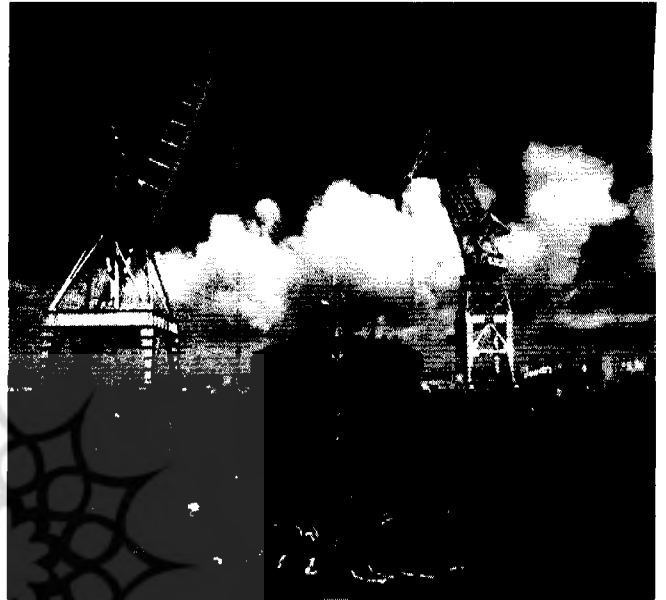
سرمایه‌گذاری روسیه در این منطقه، به هر رو موجب افزایش بهره‌برداری از نفت و گاز و کاهش قیمت نفت و گاز در سطح جهانی خواهد شد که اهداف آمریکا را تامین می‌کند و برای اقتصاد آن سودبخش است. روسیه دست به سرمایه‌گذاری‌های سنگین مشترک با قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان زده است. آسوشیند پرس از قول آندره کوزیایف، رئیس شرکت «لوک‌اویل»، گزارش کرده که این شرکت قرار است طی ۱۵ سال آینده تا ۱۲ میلیارد دلار در این منطقه سرمایه‌گذاری کند. (۱۳)

به این ترتیب، سرمایه‌گذاری‌های سنگین روسیه و کمپانی‌های خارجی در دریای خزر موجب قطب‌بندی جدید در امر تولید نفت، و تضعیف اوپک در آینده خواهد شد. (۱۴)

بنابر این تا جولای ۱۹۹۸، چرخش سیاست روسیه به سمت نظریه دریا و تأیید استفاده یک جانبه هر یک از کشورهای ساحلی از منابع کشف شده (البته با تأیید روسیه) کامل و یک دهه شعار برای «مالکیت جمعی»

نام شرکت	سهام (درصد)	نام شرکت	سهام (درصد)
BP-AMOCO	۳۴/۸۳	PENNZOIL	۴/۸
UNOCAL	۱۵/۵۴	ITOCHU	۳/۹
EXXON	۸	RAMCO	۲
SOCAR	۱۰	DELTA	۱/۶
LUKOIL	۱۰	STATOIL	۸/۵

منبع: سفارت آمریکا در باکو



این کشور در دریای خزر نیز، به هیچ توافقی نرسید.

موضع ترکمنستان

حکومت ترکمنستان در طول تاریخ خود بیشتر عشایری بوده است. رژیم کنونی این کشور از جمله رژیم‌های دیکتاتوری منطقه است. به قول احمد رشید: «سازمان‌های سیاسی در این کشور با ممنوعیت رو به رو هستند، دولت کنترل تمام وسایل ارتباط جمعی را در دست دارد، هیچ گردهمایی غیر دولتی حتی در سطح آکادمیک مجاز نیست. مخالفان سیاسی به تبعید فرستاده می‌شوند و حکومت هیچگونه مخالفتی را بر نمی‌تابد». (۲۴) نیازوف رئیس جمهور این کشور به منظور دور نگهداشتن مردم از تمایلات غربی، حتی تدریس زبان انگلیسی را ممنوع کرده است و از اعزام دانشجویان به خارج جلوگیری می‌کند. (۲۵)

طبق گزارش کتابخانه کنگره آمریکا: «حکومت فردگرایی ترکمنستان، از جهت سیاسی و اقتصادی، با ثبات‌ترین کشور در میان جمهوری‌های سابق شوروی محسوب می‌شود و رهبری آن هر چند معروف به سرکوب‌گر مخالفان سیاسی است، اما در داخل کشور به عنوان فردی ملی و حامی رفع نیازهای جامعه شناخته می‌شود». (۲۶)

از ابتدای روزهای استقلال در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، ترکمنستان از عضویت در کنفدراسیون ممالک مستقل سرباز زد و سیاست همکاری با ترکیه و ایران را به همراه ادامه روابط تجاری با جمهوری‌های سابق و روسیه دنبال کرد. ترکمنستان پنجمین ذخیره گاز دنیا را در دست دارد. سرمایه‌گذاران خارجی به رغم سطح پایین دستمزدها و آرامش سیاسی این کشور هنوز به آن جلب نشده‌اند. بعد از کسب استقلال، هنوز ۵۰ درصد شاغلین این کشور برای دولت کار می‌کنند.

تقریباً ۵۰ درصد جمعیت این جمهوری از جهت درآمد، زیر سطح فقر زندگی می‌کنند و درآمدی معادل ۱۰۰ روبل در ماه دارند. در سال ۱۹۹۰ تنها ۳/۴ درصد جمعیت این کشور درآمدی بالای ۳۰۰ روبل داشته‌اند. (۲۷)

در همان گزارش آمده است که بعد از استقلال، سطح دستمزد در این کشور ۴۷/۶ درصد سقوط کرد. ترکمنستان برخلاف سایر کشورهای آسیای میانه از جمعیت نسبتاً همگونی برخوردار است. ۷۰ درصد مردم ترکمن هستند و جریان اسلام‌گرا یا جدایی‌طلبی در آن سربلند نکرده است.

سیاست اقتصادی ترکمنستان برگسترش صادرات نفت، پنبه و مواد معدنی متمرکز است. اما گسترش صادرات نفت و گاز با محدودیت امکان‌های آن در توسعه لوله‌های انتقال گاز و نفت مواجه است. به گفته احمد رشید: «تلاش نیازوف برای اعمال سیاست‌های مستقل نفتی همواره با ممانعت روسیه همراه بوده است». (۲۸)

به جز یک لوله نفتی با ظرفیت کم که در مسیر ایران قرار دارد، ترکمنستان همچنان وابسته به لوله‌های روسیه برای انتقال نفت و گاز به کشورهای عضو کنفدراسیون است. این کشورها، گرچه مشتریان دائمی برای ترکمنستان محسوب می‌شوند اما پاسخگوی نیازهای این کشور به معاملات نقد نیستند. این کشورها و روسیه، تاکنون، نزدیک به دو میلیارد دلار به ترکمنستان بدهکار هستند. بنابراین ترکمنستان در جست و جوی ایجاد راهی برای انتقال نفت و گاز به جز راه روسیه است که تاکنون در این امر موفق نبوده است.

ترکمنستان نیز به نظریه دریا پیوسته، زیرا بزرگترین مالک ساحل دریای خزر است که ۱۷۸۶ کیلومتر را در برمی‌گیرد. با این استدلال که دریای خزر از لحاظ حقوقی مشابه دریاهای آزاد است و از این جهت شامل حقوق بین‌الملل عمومی است، ترکمنستان به مواد ۵۸ تا ۵۸۸ پیمان بین‌المللی ملل متحد درباره

جمهوری آذربایجان، از زمان استقلال مجدد در سال ۱۹۹۱، در مورد دریای خزر نظریه دریا را پیشنهاد کرد. بنا به نظر میرفندرسکی «موضع آذربایجان در واقع تأیید حقوق بین‌الملل درباره آب‌های محدود و اجرای آن در منطقه دریای خزر است؛ این رویکرد به این جمهوری حق بلامنازع حاکمیت از عمق بستر دریای ساحلی تا آسمان عطا می‌کند». (۲۹)

شرکت "بریتیش پترولیوم" و سایر شرکت‌های نفتی و ایالات متحده از موضع آذربایجان پشتیبانی کردند و در پناه آن آذربایجان تهاجم خود را برای اکتشاف در دریای خزر شروع کرد. بعدها حوزه این اکتشافات از مرزهای آبی آذربایجان هم فراتر رفت و حقوق بین‌الملل از سوی این جمهوری نادیده گرفته شد. در سال ۱۹۹۷، اکتشاف میدان نفتی کپاپاز، خشم مقامات ترکمنستان را برانگیخت. در همان سال ادعای مالکیت میدان نفتی دیگری، خارج از ۱۲۰ مایلی سواحل آذربایجان، مورد اعتراض مقامات دولت ایران قرار گرفت. کشتی جنگی ایران در این منطقه به روی تیم اکتشاف نفت شرکت بریتیش پترولیوم آتش گشود؛ (۳۰) و از آن تاریخ کمپانی مذکور، فعالیت اکتشافی خود را در این منطقه به حالت تعلیق درآورده است. این در حالی است که سیاست‌های تهاجمی این جمهوری با حمایت پوتین از نظریه دریا، در سال ۲۰۰۰ تقویت شده است. طبق خبر رادیو آزاد اروپا، ولادیمیر پوتین بر تقسیم بستر دریای خزر به اجزای ملی و استفاده مشترک از سطح آب به منظور حمل و نقل تأکید ورزیده است. (۳۱) همین رادیو در آوریل سال ۲۰۰۲ خبر داد که رهبران پنج کشور حاشیه دریای خزر، اجلاس دو روزه خود در عشق‌آباد را بدون نتیجه پایان دادند. (۳۲) دیدار رئیس جمهور آذربایجان از تهران در ۱۸ می ۲۰۰۲ و مذاکرات او درباره اکتشافات نفتی

مشکل اساسی در این جا نیز نبود لوله‌های انتقال نفت و گاز است. قزاقستان از ابتدای استقلال طرفدار نظریه دریا بوده است. به خاطر نیاز به روسیه، ناچار به جلب رضایت روس‌ها است. در سال ۱۹۹۸ نظربایف در طی سفری به مسکو با یلتسین درباره موارد زیر به توافق رسید:

۱. تنها ۱۰ مایل دریایی برای هر کشور جهت استفاده کامل در نظر گرفته شود؛
۲. حد فاصل حوزه مالکیت روسیه و قزاقستان مشخص شود؛
۳. خط میانی براساس توافق طرفین مشخص شود؛ و
۴. آزادی ناوبری برای هر دو طرف رعایت شود.

اهمیت این قرارداد در این جاست که طرفین به طور رسمی نظریه دریا را به رسمیت شناختند و این قرارداد را باید بیشتر به عنوان یک بیانیه سیاسی ارزیابی کرد. آذربایجان از این توافق حمایت کرده و ایران با آن مخالف است، زیرا امضای این قرارداد، عملاً موضع ایران مبنی بر دفاع از نظریه دریاچه - اشتراک در منابع - را کاملاً منتفی می‌کند.

معمای لوله‌های انتقال نفت و گاز رویکرد نظری

ابهام بر سر لوله‌های انتقال در دریای خزر، کاملاً مساله‌ای سیاسی است. در یک دنیای ایده‌آل، ایجاد لوله نفت یا گاز بر مبنای قوانین ساده اقتصادی انجام می‌شود. یعنی، اولاً، آیا ذخیره گاز یا نفت ارزش آن را دارد که لوله کشی انجام شود؟ ثانیاً، آیا تقاضا، تداوم دارد، به حدی که بهای سرمایه‌گذاری اولیه بازپرداخت شود؟ در چارچوب سوال‌های مذکور می‌توان به جهات متعدد قضیه، از جمله مسائل جغرافیایی، ارزش تمام شده، جنبه امنیتی و... پرداخت. اما مشکل این جاست که ورای این

حقوق دریایی، تکیه می‌کند. این پیمان که از سال ۱۹۹۴ به اجرا درآمد می‌گوید: هر کشور ساحلی، محق است تا ۲۰۰ مایل از ساحل خود به اکتشاف و بهره برداری منابع در دریا بپردازد. (۲۹) این پیمان به علاوه حق ناوبری، استفاده از فضای بالای دریا و لوله‌های زیردریا را نیز برای کشورهای ساحلی به رسمیت می‌شناسد. در خصوص مناطق متداخل در این پیمان دو راه حل پیش بینی شده است: ۱. توافق طرفین طبق حقوق بین‌الملل و ۲. به رسمیت شناختن خط فاصل میانی. در سال ۱۹۹۳، نیازوف قانونی را از مجلس دست نشانده خود گذراند که به او اجازه می‌داد، حوزه مالکیت ترکمنستان را در دریای خزر به میزان ۴۵ مایل افزایش دهد. اما روسیه به سرعت در نامه‌ای خطاب به ملل متحد، این اقدام را بی‌اعتبار دانست. (۳۰) روشن است که هیچ یک از طرفین ذینفع نمی‌توانند به تنهایی بدون تفاهم یا توافق با روسیه راجع به مساله استفاده از منابع نفتی و گاز دریای خزر تصمیم بگیرند.

بنابر آنچه گفته شده، اشکال مختلف نظریه دریا در حال حاضر مورد قبول کشورهای حاشیه خزر (به جز ایران) است. طبق این نظریه، حد فاصل مرزهای مالکیت را باید یک خط «میانی» تعیین کند. (۳۱) اما، مشکل اینجاست که این خط «میانی» چه تعریفی دارد و چگونه تعیین می‌شود. همین نکته، اختلاف اصلی ترکمنستان و آذربایجان است. آذربایجان، نوعی سیستم تعیین حدفاصل پیشنهاد کرده که مورد توافق ترکمنستان نیست. زیرا آذربایجان فاصله‌ای بیش از ۱۰۰ مایل دریایی را، همچنان در محدوده مالکیت خود می‌داند. (۳۲)

قزاقستان

جمعیت قزاقستان را مجموعه‌ای از طوایف ترک و مغول تشکیل می‌دهند. این کشور تا اواخر قرن هجدهم کاملاً تحت تسلط روسیه بود و در زمان حکومت شوروی سابق، مهاجرت به این منطقه در شمال تشویق می‌شد، تا آنجا که قبل از استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ قزاق‌ها در کشور خودشان به اقلیتی تبدیل شدند. اما مهاجرت غیر قزاق‌ها بعد از استقلال کاهش یافته است.

نظربایف دبیر اول حزب کمونیست این کشور، مقام ریاست جمهوری را به عنوان اولین رئیس جمهور، به خود تخصیص داد. برخلاف ترکمنستان و ازبکستان، این کشور به کنفدراسیون (CIS) پیوست. اعلامیه استقلال قزاقستان برای غرب یک مشکل سیاسی نظامی ایجاد کرده است. این کشور دارای ۱۰۴ کلاهیک هسته‌ای است. کشورهای غربی بیش از ۴۰۰ میلیون دلار برای خنثی‌سازی این سلاح‌های هسته‌ای سرمایه‌گذاری کرده‌اند. (۳۳) در مقایسه با سایر کشورهای آسیای میانه، قزاقستان نسبتاً رشد بالاتری داشته است. برخلاف آذربایجان، ترکمنستان و ایران، سهم نفت در تولید سالیانه این کشور تنها ۳۰ درصد است. این کشور از اقتصاد متنوع‌تری برخوردار بوده و در برابر ضربه‌های (شوکه‌های) خارجی کمتر آسیب‌پذیر است. سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری را نیز جذب کرده است. در زمان گورباچف، کمپانی "شورون" وارد عقد بزرگترین قرارداد نفتی در دو دهه گذشته با این جمهوری شد که طی آن مجتمع غول‌آسای تنگیز با ذخیره ۲۰ میلیون بشکه نفت ساخته خواهد شد.

قزاقستان، بزرگترین ذخیره نفت دست نخورده جهان را داراست. سرمایه‌گذاری‌های خارجی و شرکت‌های نفتی، هجوم سرسام‌آور خود را به استنب‌های این جمهوری شروع کرده‌اند. شرکت دولتی نفتی قزاقستان به نام «قزاق اویل» به یک توافق بین‌المللی به نام «توافق مشارکتی در تولید» رسیده است. تولید نفت قزاقستان تا پایان سال ۲۰۰۲ به یک میلیون بشکه در روز می‌رسد و تا سال ۲۰۱۰، روزانه سه میلیون بشکه تولید خواهد شد.



ملاحظات، رقابت جهانی بر سر قدرت و سلطه، بر حل این مساله سایه انداخته است.

خطوط لوله مورد حمایت آمریکا

بیش از هر بازیگر بین‌المللی، ایالات متحده به ایجاد ابهام در حل این مساله دامن زده است. مروری به رئوس سیاست آمریکا در این منطقه علت آن را نشان می‌دهد:

۱. افزایش هر چه بیشتر تولید جهانی نفت، خصوصاً در این منطقه؛
 ۲. مبارزه با نقش روسیه و محدودسازی آن؛
 ۳. جداسازی و محاصره ایران؛ و
 ۴. جلوگیری از ایجاد اتحادیه اقتصادی در آسیای مرکزی (سیاست موسوم به ضد کارتل).
- از ایجاد دو خط لوله، دولت آمریکا حمایت می‌کند: ۱. خط لوله باکو - جیهان و ۲. خط لوله ترکمنستان، افغانستان و پاکستان.

خطوط لوله مورد حمایت ترکیه (باکو - جیحون)

این خط که قرار است آسیای میانه را به ترکیه متصل کند، هنوز ساخته نشده است. در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹، نیویورک تایمز اعلام کرد که: «دولت کلینتون، پیروزی سیاست خارجی خود را با عقد قرارداد کشورهای آسیای میانه و ترکیه جشن گرفت. این طرح قرار است نفت دریای خزر را بدون عبور از روسیه و ایران به ترکیه برساند.» (۳۳)

برای انتقال نفت از قزاقستان به باکو نفت را باید از اعماق دریای خزر با لوله عبور داد یا با تانکرهای نفتی از دریای مازندران منتقل کرد. اما عبور لوله از زیر دریا از همان ابتدا با مخالفت روسیه به بهانه خطرات محیط زیستی مواجه شد؛ این در حالی است که در مورد راه زمینی یا دریایی، به رغم حضور نیروهای آمریکا، کنترل روسیه بر این خط وجود دارد، از سوی دیگر نفت آذربایجان نیز به تنهایی کافی و مقرون به صرفه نیست که برای صدور آن لوله کشتی انجام شود. علاوه بر این موارد عبور خط پیشنهادی از چهار کشور آسیای میانه که در آن‌ها جنگ‌های قومی و بحران سیاسی امری محتمل است، مشکل دیگری در ایجاد و احداث این خط پدید آمده

است. هزینه سنگین ۲/۴ میلیارد دلاری، در ضرورت تاسیس آن ایجاب ابهام کرده است.

خط لوله ترکمنستان، افغانستان و پاکستان

تناقض موجود بین سیاست خارجی آمریکا و واقعیات منطقه‌ای موجود، به رغم وجود تمایل آمریکا در سازش در زمینه اصول دموکراتیک برای حل مساله انتقال نفت و گاز از راه افغانستان در زمان حکومت طالبان به جایی نرسید. خلیل زاد، مشاور UNOCAL و در حال حاضر مشاور ویژه جرج بوش در امور افغانستان، «در گفت‌وگوهایی بین شرکت‌های نفتی و مقامات طالبان شرکت کرد که هدف آن بستن قرارداد سال ۱۹۹۵ مبنی بر احداث لوله در سراسر غرب افغانستان بود.» (۳۵)

خلیل زاد، در واقع، برای جوش دادن این معامله با افغانستان و طالبان وارد مذاکره شد و در واشنگتن پست اعلام کرد که: «طالبان به دنبال اصول‌گرایی مشابه دولت ایران نیست و از آن تبعیت نمی‌کنند.» (۳۶)

خط لوله پیشنهادی که هزینه آن ۲/۷ میلیارد دلار برآورد شده است، باید از مناطقی عبور می‌کرد که حکومت مرکزی بر آن هیچ کنترلی نداشته است. در سال ۱۹۹۸ بعد از موشک باران اردوی بن لان به دستور کلینتون، شرکت «جنت گاز»، پیمانکار این طرح، از ادامه پروژه به دلیل نبود امنیت خودداری کرد. برکناری طالبان و به حکومت رسیدن «کرزای» از سوی جرج بوش، احتمال ادامه ساختمان این خط را اکنون افزایش داده است.

دیگر خطوط لوله محتمل

بین پنج کشور حاشیه دریای خزر، فقط روسیه و ایران به دریای آزاد

خطوط لوله روسیه

جدول (۱). پروژه‌های بین‌المللی تولید نفت و گاز

نام	مالکیت	میدانین و ذخایر قطعی	میزان سرمایه‌گذاری	وضعیت پیشرفت پروژه
آرکتیک گاز	شرکت نفت و گاز بنتون (۶۰٪)، گاز پروم (۱۲٪)، روسیه (منطقه خود مختار «یامالو-نتس») (۲۸٪)، بنتون موافقت نمود که سهم خود را به «یوکوس» بفروشد.	۳۵/۳ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز در میدان «سامبورگ اسکوی» و «یوو-یاخین اسکوی»	—	تولید ۶۵۰۰۰ تن میعانات گساز در سال ۲۰۰۰؛ برنامه‌ریزی برای تولید ۱۳۵۰۰۰ تن میعانات گازی در سال ۲۰۰۱؛ برنامه‌ریزی برای آغاز تولید و صدور گاز طبیعی
شرکت نفت کاسپین	یوکوس، لوکویل، گازپروم	بخش روسی دریای خزر، ۱۵ تا ۳۰ میلیارد بشکه معادل نفت (برآورد شده)	—	اکتشاف در بخش روسی دریای خزر
چایاندینوسکوی فیلد	ساخا نفتگاز (روسیه)، شرکت ملی توسعه نفت و گاز چین	۴۳ تریلیون فوت مکعب گاز (برآورد شده)	—	موافقتنامه مقدماتی امضا شده است؛ در حال اکتشاف
نورث آسترخان	انی - آجیب، استرویترانسگاز، و آسترخان نفتپروم	ذخایر قابل بازاریابی به میزان ۳/۴ میلیارد بشکه نفت و ۵/۱ تریلیون فوت مکعب گاز	—	مشارکت کنندگان، قصدنامه بهره‌برداری مشترک را امضا کرده‌اند
پولار لاینس	کونوکو (آمریکا) (۵۰٪)، اپراتور، آرخانگلسک ژئولودویچا (روسیه) (۳۰٪)، رزنت (روسیه) (۲۰٪)	میدان «آردالین» در منطقه خود مختار «نتس» در حوضه «تیمان پچورا»	—	آغاز تولید در سال ۱۹۹۴؛ تولید کنونی در حدود ۳۶۰۰۰ بشکه در روز

نام	مالکیت	میدانین و ذخایر قطعی	میزان سرمایه‌گذاری	وضعیت پیشرفت پروژه
پیرازلومنوی فیلد (دریای پچورا)	«گاز پروم» و «وینترشل» مشترکا در حال توسعه آن هستند	۶۰۸ میلیون بشکه نفت (برآورد شده)	سرمایه‌گذاری اولیه به میزان یک تا ۱/۳ میلیارد دلار	انتظار می‌رود PSA را دریافت کند
روسیا پترولیوم	بی‌پی (انگلستان) (۳۱٪)، اپراتور، اینتر روس (روسیه) (۲۴٪)، ایرکوتسک اوبلاست پراپرتی فاند (۱۴٪)، شرکت «ویسترا هولدینگز» (۱۳٪)، تیومن اویل (۱۸٪)	۴۹ تریلیون فوت مکعب در میدان کوویکتا (شرق سیبری)	تاکنون ۲۰۰ میلیون دلار صرف اکتشاف شده است	پوتین، میدان کوویکتا را در فهرست میدانین واجد شرایط برای استفاده از PSA قرار داد (فوریه ۲۰۰۱)، ولی هنوز باید مذاکراتی با دولت صورت گیرد
ساختالین ۱ (چایوو، اودپتو، آرکوتون - داگی)	اکسون موبیل (۳۰٪)، سودکو (کنسرسيوم شرکتهای ژاپنی) (۳۰٪)، رزفنت (۲۰٪)، شرکت «آ.ان. جی. سی. ویدش» (هند) (۲۰٪)	۱۷/۱ تریلیون فوت مکعب در میدانین «چایوو، اودپتو، و آرکوتون - داگی»	—	عملیات حفاری و ارزیابی ادامه دارد؛ انتظار به نفت رسیدن در سال ۲۰۰۳، حداکثر ظرفیت پیش‌بینی شده: ۲۰۰ هزار بشکه در روز
ساختالین ۲ (شرکت سرمایه‌گذاری انرژی ساختالین)	رویال داچ / شل (۶۲/۵٪)، اپراتور، میتسوبیشی میتسوبیشی (۲۵٪) (۱۲/۵٪)	۴ میلیارد بشکه نفت و بیش از ۲۰ تریلیون فوت مکعب گاز در میدانین «پیلتون - آستوخسکوی» (PA) و «لونسکوی»	۱/۱ میلیارد دلار برای مرحله اول؛ ۸/۹ میلیارد دلار برای مرحله دوم	تولید تقریبی ۹۰ هزار بشکه در روز در PA قرار است مرحله دوم آغاز شود (ساخت تاسیسات LNG توسعه میدانین فراساحلی)
ساختالین ۳ (کرینسکی)	اکسون موبیل، نگزاکو، رزفنت - اس ام ان جی	میدانین «عیاش» و «اودپتو شرقی»	۱۳/۵ میلیارد دلار	در حال انتظار برای دریافت PSA
ساختالین ۴	رز نفت (۵۰٪)، رز نفت - اس ام ان جی (۵۰٪)	۳/۵۳ تریلیون فوت مکعب گاز در بلوک آستراخانوسکی	توسعه آن نیازمند حدود ۲/۶ میلیارد دلار است	عملیات اکتشاف به حدود ۶ سال زمان نیاز دارد؛ در حال انتظار برای دریافت PSA
ساختالین ۵	«بی‌پی» و «رزفنت» مشترکا در مناقصه شرکت خواهند کرد	۴/۴ میلیارد بشکه نفت و ۲۱ تریلیون فوت مکعب گاز (برآورد شده) در بلوک‌های اشمیتوسکی شرقی	—	—
ساختالین ۶	رز نفت، اکسون موبیل، و نگزاکو مشترکا در مناقصه شرکت خواهند کرد	—	—	—
اشتوکنسکوی فیلد (دریای بارتس)	گازپروم (۵۰٪)، فورتوم (فنلاند)، کونوکو (آمریکا)، توتال فینالاف (فرانسه)، نورسک هیدرو (نروژ)	۱۱۳ تریلیون فوت مکعب گاز و ۴۴۰ میلیون بشکه میعانات گازی	سرمایه مورد نیاز بین ۱۵ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود	در حال انتظار برای دریافت PSA
زاپولی آرنوی فیلد (غرب سیبری)	رویال داچ / شل، گازپروم	—	یک میلیارد دلار	توسعه میدان در اکتبر ۲۰۰۱ آغاز شد

منبع: همان

جدول (۲) - پروژه‌های بین‌المللی خطوط لوله نفت و گاز

نام	مالکیت	مسیر / ظرفیت	میزان سرمایه‌گذاری	وضعیت پیشرفت پروژه
خط لوله نفت «آتیرائو - سامارا»	ترانسنت، دولت قزاقستان	۴۳۲ مایل خط لوله از آتیرائو در قزاقستان تا سامارا در روسیه؛ ظرفیت: ۳۱۰ هزار بشکه در روز	افزایش سرمایه‌گذاری تقریباً به میزان ۳۷/۵ میلیون دلار	ظرفیت اخیراً به ۳۱۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت
خط لوله گاز طبیعی «بلو استریم»	انی (۵۰٪)، گاز پروم (۵۰٪)	دو خط لوله صادرات گاز طبیعی به طول ۷۵۰ مایل از «ایزووینلوی» تا «دژوگبا» از زیر دریای سیاه و از آنجا تا «سامسون» ترکیه و سپس تا آنکارا ظرفیت کلی: ۵۶۵ میلیارد فوت مکعب در سال	۳/۳ میلیارد دلار	نخستین خط لوله زیر دریایی کار گذاشته شد؛ دومین خط لوله قرار است تا مه ۲۰۰۲ کار گذاشته شود؛ قرار است عرضه گاز طبیعی در پاییز ۲۰۰۲ آغاز شود
خط لوله نفت «باکو - نووروسیسک»	روسیه، آذربایجان	۸۶۸ مایل خط لوله از باکو تا بندر نووروسیسک روسیه در دریای سیاه ظرفیت: ۱۰۰ هزار بشکه در روز با احتمال افزایش ظرفیت تا ۳۰۰ هزار بشکه در روز	۶۰۰ میلیون دلار برای افزایش ظرفیت به ۳۰۰ هزار بشکه در روز	صادرات در اواخر ۱۹۹۷ آغاز شد؛ میانگین صادرات در سال ۲۰۰۱ برابر با ۵۰ هزار بشکه در روز
کنسرسیوم خط لوله نفت دریای خزر (CPC)	روسیه (۲۴٪)، قزاقستان (۱۹٪)، شورون (۱۵٪)، لوک آرکو (۱۲/۵٪)، رزنفت - شل (۷/۵٪)، اکسون موبیل (۷/۵٪)، عمان (۷٪)، آجیپ (۲٪)، بی‌جی (۲٪)، شرکت خطوط لوله قزاقستان (۱/۷۵٪)، شرکت اوریکس (۱/۷۵٪)	۹۹۰ مایل خط لوله نفت از میدان نفتی «تنگیز» در قزاقستان تا بندر «نووروسیسک» ظرفیت مرحله اول: ۵۶۵ هزار بشکه در روز ظرفیت نهایی در مرحله دوم (سال ۲۰۱۵) به ۱/۳۴ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت	۲/۵ میلیارد دلار برای مرحله اول؛ مجموعاً ۴/۲ میلیارد دلار تا زمان تکمیل	نخستین نفتکش در بندر نووروسیسک بارگیری شد (اکتبر ۲۰۰۱)؛ صادرات تا پایان ۲۰۰۲ به ۴۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت
خط لوله گاز طبیعی چین	شرکت ملی نفت چین، ساخا (جمهوری روسیه)، گاز پروم ممکن است به عنوان اپراتور عمل نماید	تقریباً ۱۷۰۰ مایل خط لوله از میدان گاز «چایاندینوسکوی» تا «شین جیانگ» (حدوداً در ۵۵۰ مایلی جنوب غربی پکن در شمال چین) ظرفیت برنامه‌ریزی شده: ۴۲۳ تا ۷۰۶ تریلیون فوت مکعب در سال	۶ تا ۱۰ میلیارد دلار (برآورد شده)	موافقتنامه مقدماتی امضا شده است

نام	مالکیت	مسیر / ظرفیت	میزان سرمایه گذاری	وضعیت پیشرفت پروژه
خط لوله گاز طبیعی چین - کره جنوبی	بی بی (انگلستان)، تیومن اوایل (روسیه)	۲۰۰۰ تا ۲۷۰۰ مایل خط لوله از میدان گاز «کوویکتا» در «ایرکوتسک» تا شمال شرقی چین (احتمالاً از طریق مغولستان)، نقطه پایان در کره جنوبی از طریق یک خط لوله زیردریایی در عرض دریای شرق چین	۶ تا ۱۰ میلیارد دلار (برآورد شده)	موافقتنامه مقدماتی امضا شده است، مذاکرات در مورد چند مسیر در حال انجام است. مطالعات امکان پذیری قرار است در اوایل ۲۰۰۲ آغاز شود
خط لوله نفت چین	یوکوس، ترانسنت، شرکت ملی نفت چین	۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ مایل خط لوله از «آنگارسک» (شرق سیبری) تا پکن، احتمالاً از طریق مغولستان ظرفیت اولیه: ۴۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت نهایی (۲۰۱۰): ۶۰۰ هزار بشکه در روز	۲/۵ میلیارد دلار (برآورد شده)	موافقتنامه مقدماتی امضا شده است؛ مطالعات امکان پذیری در حال انجام است، مذاکرات در مورد چند مسیر در حال انجام است
خط لوله گاز طبیعی ژاپن	اکسون موبیل، سودکو (کنسرسیوم شرکت‌های ژاپنی)	۱۲۰ مایل خط لوله پیشنهادی از میدان ساخالین ۱ تا منطقه «ساپورو» واقع در جزیره «هوکایدو» در شمالی‌ترین نقطه ژاپن؛ امکان گسترش خط لوله تا توکیو وجود دارد	—	مطالعات امکان پذیری در حال انجام است، قرار است نتایج تا آوریل ۲۰۰۲ مشخص شود
خط لوله گاز «نورث ترانس»	گاز پروم (۵۰٪)، فورتوم (فنلاند) (۵۰٪)، شرکت‌های آلمانی «ویسترشل» و «روهراگاز» ممکن است به کنسرسیوم بپیوندند	تقریباً ۱۸۰۰ مایل خط لوله صادرات گاز، از منطقه «ویسبورگ» واقع در خلیج روسیه در ساحل فنلاند از زیر دریای بالتیک به طرف شمال آلمان ظرفیت برنامه ریزی شده: ۷۰۶ میلیارد فوت مکعب در سال	۳ میلیارد دلار (برآورده شده)	موافقتنامه انجام یک مورد مطالعه امکان پذیری برای ساخت خط لوله در آوریل ۲۰۰۱ امضا شد؛ در صورت آغاز عملیات، پروژه احتمالاً تا سال ۲۰۰۸ پایان خواهد یافت
خط لوله گاز طبیعی «یامال - اروپا»	گازپروم (بخش‌های روسی و بلاروسی)، کنسرسیوم یورویل گاز (بخش لهستانی)، آلمان	خط لوله صادرات گاز طبیعی از روسیه، از طریق بلاروس، از خاک لهستان و از آنجا به مقصد آلمان؛ با طول پیشنهادی ۳۷۳ مایل، خط لوله «یامال - اروپا ۲» از روسیه آغاز خواهد شد، از خاک بلاروس خواهد گذشت و سپس منطقه «برزسک» در لهستان را به منطقه «ولکه کاپوسانی» در اسلواکی متصل خواهد کرد	۲ میلیارد دلار (برآورد شده) برای ساخت خط لوله «یامال - اروپا ۲»	صادرات از طریق خط لوله «یامال - اروپا» در سال ۲۰۰۱ به میزان ۶۰۰ میلیارد فوت مکعب؛ طبق برنامه قرار است ظرفیت در سال ۲۰۰۳ به ۱/۱۶ تریلیون فوت مکعب برسد؛ خط لوله «یامال - اروپا ۲» ظرفیت را در مجموع به ۲/۱ تریلیون فوت مکعب افزایش خواهد داد

منبع: همان

Sea: Treaties Other Stories. Palgrave 2001, P. 15.

3- Ibid, P. 26.

4- Ibid.

5- Agence France Presse on line, Dec., 10, 1991.

6- AP on line, Dec., 25, 1991.

7- Mirfendereski, Byive, **A Diplomatic History of the Caspian**

SEA: Treaties Other Stories. Palgrave 2001, P. 188.

۸. راهنمای اینترنتی در مورد حقوق بین‌الملل ماهیگیری:

<http://www.oceanlaw.net/tests/summaries/g>

9- Isabel Gorst and Nina Poussenkova, "Petroleum

Ambassadors of Russia: State versus Corp, Caspian Region".

<http://www.rice.edu/projects/baker/Pubs/workingpapers/efac/>

efcac1.html

10- Michcal t. Klare, **Resource Wars.**

11- Business and Economic, 01,02,2002.

[http://www.curaslanet.org/departments/business/articles/](http://www.curaslanet.org/departments/business/articles/eav032602a.shtml)

eav032602a.shtml

12- Financial Times Information on line, March, 12, 2002.

13- AP, June, 5, 2002, Wed BC Cycle5: 02 PM.

۱۴. تاکید از من است.

15- Peter Avery, Gavin Hambly, and Charles Melville, eds.,

Cambridge History of IRAN, Vol. 2, P. 495.

16- Ibid.

17- Eia. <http://www.eia.doc.gov/emeu/cabs/azergijan.html>

18- Ibid.

19- US Department of Energy, Caspian Region Energy

Development.

20- Ibid, Mirfendereski, Guive, P. 195.

21- Ibid, P. 194.

۲۲. گزارش رادیو اروپای آزاد:

<http://www.rfcrl.org>, on line archive.

23- Ibid, April 24th.

24- Rashid Ahmad, Jihad, **The Rise of Militant Islam in Central**

Asia. Yale University, 2002, P. 73.

25- Ibid, P. 74.

26- Library of Congress/ Federal Research Division/ Country

Studies

27- Ibid.

28- Ibid, Rashid Ahmad, Jihad, P. 76.

29- Ibid, Mirfendereski, Guive, P. 191.

30- Ibid.

۳۱. گفت و گو با رئیس بنگاه دولتی دریای خزر ترکمنستان:

<http://www.platts.com/features/caspian/turkmeninterview.shtml>

32- Ibid.

33- Ibid, Rashid Ahmad, Jihad, P. 60.

34- The New York Times on line. Nov., 19, 1999.

35- World Socialist Web Site.

www.wsws.org/articles/2002/jan2002/oil-jo3.shtml

36- Ibid.

دسترسی مستقیم دارند. روسیه از طریق دریای سیاه و ایران از طریق خلیج فارس. آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان مجبورند از خاک همسایگان خود برای این منظور استفاده کنند. وجود بحران‌های قومی، مبارزات چریکی و عدم تعادل سیاسی موجب شده که این کشورها، «غرب وحشی شرق» نامیده شوند. بنابراین تصادفی نیست که روسیه و ایران تنها دو کشوری هستند که خطوط لوله واقعی هم اکنون در آن‌ها کشیده شده است. حتی لوله نفتی گرجستان نیز توسط نیروهای نظامی روسیه حفاظت می‌شود.

خطوط لوله ایران

خط لوله نفت و گاز از ایران می‌تواند کوتاهترین و کم خرج‌ترین راه انتقال نفت و گاز دریای خزر باشد، اما سیاست تحریم آمریکا مانع جدی بر سر ایجاد چنین لوله‌ای است. ایران تنها توانسته است لوله‌ای به طول ۱۳۴ مایل از ترکمنستان به شمال ایران بکشد و پیشنهاد کرده که به ازای نفت دریافتی از این منطقه معادل آن را تا سقف یک میلیون بشکه، در خلیج فارس از نفت جنوب ایران به خریداران ترکمنستان تحویل دهد. اما بی‌تردید از جهت اقتصادی، مقرون به صرفه‌ترین راه انتقال نفت و گاز از آسیای میانه به دریاهای آزاد، کشور ایران است و تنها تقابل، ملاحظات سیاسی است که مانع این امر شده و امر توسعه انرژی را در منطقه دریای خزر با بن‌بست مواجه ساخته است.

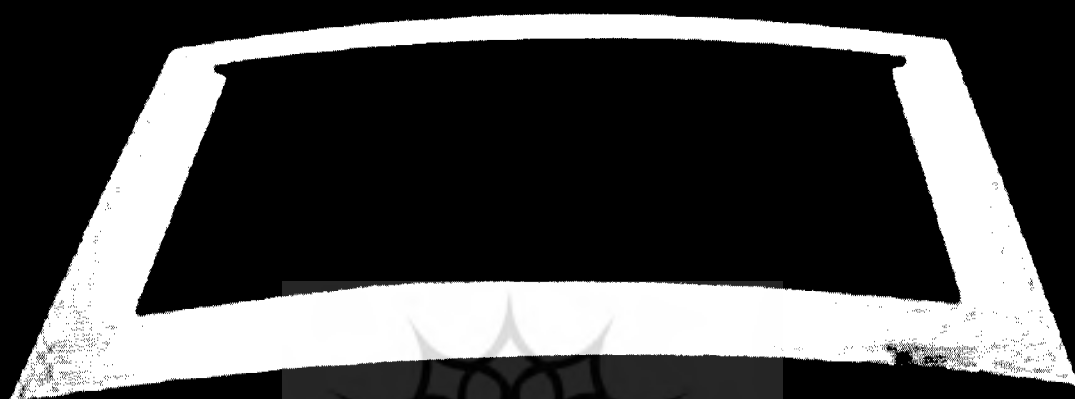
خلاصه

با گسترش دامنه نفوذ و پیشروی روسیه به سمت جنوب، ایران تمام مناطق شمالی واقع در غرب دریای خزر و شمال قفقاز را به تدریج از دست داد. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه آرامشی موقت برای ایران بود. متعاقب آن به تدریج یک رژیم حقوقی برای دریای خزر تدوین شد. در موافقتنامه‌های دوجانبه میان ایران و روسیه، برابری دسترسی به منابع دریای خزر به رسمیت شناخته شد، ولی هرگز به صراحت از نفت یا گاز ذکری به میان نیامد. فروپاشی شوروی سابق، پایان رژیم حقوقی قدیمی نیز بود. یک رژیم حقوقی جدید به تدریج به وجود آمد و آن هنگامی بود که روسیه، نظریه دریا را با اصلاحات صورت گرفته بر اساس سلاوی خود به طور اصولی پذیرفت. ایران هنوز در برابر پذیرش ظهور این نظام حقوقی جدید مقاومت می‌کند، ولی مخالفتش تا کنون تاثیری در پیشرفت روند حاضر نداشته است. ایالات متحده از آغاز دهه ۱۹۹۰، بازیگر مهم در منطقه بوده است و از همان ابتدا صراحتاً از تئوری دریا حمایت کرده و در این زمینه موفق بوده است. آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان همگی کشورهای محاط در خشکی هستند. آنها همگی با کمبود نقدینگی و توسعه نیافتگی تحت حاکمیت رژیم‌های تمامیت خواه هستند. آنها ناگزیرند نفت و گازشان را از طریق دیگر کشورها انتقال دهند. روسیه، ایالات متحده و تا حد کمتری ایران، خواهان کنترل جریان نفت از طریق کنترل خطوط لوله هستند. روسیه تا کنون در زمینه فراهم آوری و ساخت خطوط لوله موفق بوده است. با این حال، از دید ایالات متحده، خطوط لوله ایده آل هنوز محقق نشده‌اند.

پی‌نوشت‌ها و منابع:

1- Peter Avery, Gavin Hambly, and Charles Melville, eds., **Cambridge History of IRAN**, Cambridge University Press, Vol 7, 1991, P. 316.

2- Mirfendereski, Guive, **A Diplomatic History of the Caspian**



اقتصاد و مدیریت بازرگانی